

سعدی و اقتصاد

www.ketab.ir

سید محمد تقی سید صدر

۵	دبیاجه
۱۳	فصل یکم: کمیابی
۲۱	فصل دوم: عرضه و تقاضا - قیمت
۳۵	فصل سوم: تولید - کار
۵۱	فصل چهارم: مصرف
۶۳	فصل پنجم: پس انداز
۷۳	فصل ششم: سرمایه گذاری
۸۷	فصل هفتم: مطلوبیت
۹۹	فصل هشتم: مالکیت
۱۲۱	فصل نهم: مالیات
۱۳۱	فصل دهم: رکود تورمی (بیماری هلندی)
۱۴۵	فصل یازدهم: مهاجرت - کوچ
۱۶۹	فصل دوازدهم: سرمایه اجتماعی
۱۸۷	فصل سیزدهم: عدالت اقتصادی
۱۹۹	فصل چهاردهم: قناعت
۲۱۱	فصل پانزدهم: سخا
۲۲۱	فصل شانزدهم: دیدگاه‌های کلان در اقتصاد سیاسی
۲۲۵	راز هستی به زیان گلستان
۲۲۷	راز وجود از زیان بوستان
۲۲۹	مردم‌داری و دوراندیشی
۲۳۵	نوع دوستی و نوع پروری
۲۴۲	امانت‌داری و برقراری امنیت اقتصادی
۲۴۵	بزرگ‌منشی و مروت
۲۵۲	تجربه و تخصص
۲۶۰	فهرست منابع

ضمایم آماری	۲۷۰-۲۶۱
جدول شماره ۱: برخی شاخص‌های عمده اقتصادهای پیشرفته	۲۶۲
جدول شماره ۲: برخی شاخص‌های عمده اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه	۲۶۳
جدول شماره ۳: درآمد و تولید ناخالص ملی بر حسب فعالیت‌های اقتصادی	۲۶۴
جدول شماره ۴: هزینه‌های ناخالص ملی	۲۶۵
جدول شماره ۵: توزیع جمعیت کل بر حسب مناطق شهری و روستایی	۲۶۶
جدول شماره ۶: نرخ بیکاری جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب جنس و مناطق شهری و روستایی	۲۶۶
جدول شماره ۷: نقدینگی	۲۶۷
جدول شماره ۸: تغییر در مانده منابع و مصارف بانک‌های خصوصی و موسسات اعتباری غیربانکی	۲۶۷
جدول شماره ۹: وضع مالی دولت	۲۶۸
شرح حال	۲۷۱-۲۷۲

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین
(سعدی)

دیباچه

علم اقتصاد، دانش تشخیص منابع و شیوه‌های بهره‌برداری از آن است که بیش از هر چیز بر منابع طبیعی و ثروت مادی تمرکز دارد.

معهد منابع و گنجینه‌های بسیار ارزشمندی وجود دارد که گرچه از دید اقتصاد کلاسیک کمتر بدان‌ها توجه می‌شود ولی می‌تواند تأثیری شگرف بر زندگی انسان از جمله جنبه‌های اقتصادی آن بگذارد.

ادبیات، شعر و زندگی‌نامه‌های بزرگ، گنجینه بی‌بدیلی از مفاهیم و اصول زندگی اجتماعی و بی‌گرافه فلسفه زندگی است که کمتر توجه کاربردی اقتصادی - اجتماعی مورد بهره‌گیری قرار گرفته است.

مردم ما سعدی را با پند و اندرز، مولانا را به اعتبار عرفان، حافظ را با غزلیات و فردوسی را با حماسه‌سرایی‌هایش می‌شناسند. هر چند ویژگی اصلی این بزرگان همین است که در حافظه تاریخی ایران ثبت است، ولی نظریه‌پردازی‌های جدید علوم اجتماعی به مفاهیم و اصولی دست یافته که در اشعار و نوشتار این بزرگان، رساتر و گویاتر با لطافت و زیبایی آمیخته با هنر بیان شده است.

هنگامی که با وجود دسترسی بر میراث گسترده ادبی گذشته کشورمان و وجود انبوه دانشمندان بزرگ معاصر، نوشته‌ای مناسب‌تر از شعر سعدی به عنوان شاخص و معرف فرهنگ و معرفت ایرانیان برای نصب در تالار سازمان ملل متحد^۱ یافت نمی‌شود، چرا

۱ - در میان ایرانیان چنین شهرت دارد که شعر معروف «بنی آدم» سعدی بر سر در سازمان ملل متحد نصب است و در بسیاری از سخنرانی‌های علمی ادبی و حتی کتاب‌ها نیز بدون ارائه سند آن را از افتخارات فرهنگی کشورمان برمی‌شمارند. واقعیت این است که در اوایل افتتاح

نباید از ادبیات فرازمانی و فرامکانی کهن کشورمان که بسیاری از مفاهیم جدید علمی را بازشکافی موشکافانه نموده، در غنا و تلطیف مطالب روز و علمی استفاده نکنیم؟ بانگارش چند بیت از فردوسی که بیشتر وی را یک حماسه سرا و تاریخ نگار می شناسیم به معرفت و آگاهی بالا و ژرف او از مفاهیم مدیریتی، روان شناختی، حکومت داری و عاطفی اندکی آشنا شده، در می یابیم که عنوان حکیم چگونه از این بزرگمرد، وزن و اعتبار یافته است.

سر تخت شاهی بیچد، سه کار	نخستین، ز بیدادگر شهریار
دگر آنک بی مایه را برگشد	ز مرد هنرمند برتر کشد
سه دیگر که با گنج خویشی کند	به دینار کوشد که بیشی کند

(شاهنامه، پادشاهی اردشیر - فراز ۱۴)

* * *

سپاهی نباید که با پیشور	به یک روی جویند هر دو هنر
یکی کارور و یکی گرز دار	سزاوار هر یک، پدیدست کار
چو این کار آن جویند، آن کار این	پر آشوب گردد سراسر زمین

(شاهنامه، ضحاک - فراز ۱۲)

* * *

چو بر دانش خویش مهر آوری	خرد را ز تو بگسلد داوری
مدا را خرد را برادر بُود	خرد بر سر جان چو افسر بُود

(شاهنامه، بزم نخستین نوشیروان)

سازمان ملل متحد در نمایشگاهی جهانی که در محل این سازمان برگزار شده بود، ایران با لوحی از این ابیات شرکت کرده و پس از پایان نمایشگاه آن را برچیده است. ولی خوشبختانه در آخرین روزهای دولت هشتم به سال ۱۳۸۴ فرش نفیسی که این بیت معروف:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

با رشته های طلا در مرکز آن بافته شده، به سازمان ملل متحد هدیه گردید که با ترجمه انگلیسی آن در تالار اجتماعات این نهاد بین المللی نصب دایم شده است.

ده اند اهرمن هم به نیروی شیر که آرند جان و خرد را بزیر
 بدو گفت کسری که ده دیو چیست کزیشان خرد را ببايد گريست
 چنين داد پاسخ که آز و نياز دو ديوند بازور و گردن فراز
 دگر خشم و رشکست و ننگست و کين چو نمام و دوروی و ناپاک دين
 دهم آنک از کس ندارد سپاس به نيکی دهم نيست يزدان شناس
 (شاهنامه - جلد چهارم - پند دادن بوذرجمهر نوشيروان را)

ز گيتی همی پند مادر نيوش ببد تيز مشتاب و چندين مکوش
 مده از پهی تاج سر را به باد که با تاج شاهی ز مادر نژاد
 که نفرين بر اين تخت و اين تاج باد برين کشتن و شور و تاراج باد
 مرا خاکسار دو گيتی مکن از اين مهربان مام بشنو سخن
 (شاهنامه - جلد سوم - پند دادن کتايون فرزند خود اسفنديار را)

فريدون فرخ فرشته نبود ز مشک و ز عنبر سرشته نبود
 به داد و دهش يافت آن نيکویی نو داد و دهش کن فريدون تویی
 (شاهنامه، پادشاهی فريدون)

وجود چنين گفتار نغز و پرمعنايي در موضوع های مختلف نمی باید که در چارچوب همان کتاب ها محصور بماند، بلکه صاحب نظران و نويسندگان کتاب های علمی روز می توانند هنگام تشریح نظريات جديد علمی، اين قبيل نوشته ها را چاشنی^۱ مطالب خود نمايند تا ضمن ملموس و لطيف تر شدن سخن، دامنه استفاده از دانش کهن نيز فراهم شود. بی کمترین گزافه چه نوشته و بيان هنرمندانه ای درباره آزاداندیشی، مدیریت کلان، داد و سخا و نکات حساس روان شناختی در دانش نوين می توان سراغ جست که بدین روانی و ژرفا، گستره اين اصول را بيان کرده باشد؟

استفاده بهينه و مؤثر از چنين مفاهيم و درس هایی از ادبيات کهن کشورمان مدت ها

۱ - چاشنی: سخن لطيف و دلکش. (فرهنگ فارسی: دکتر محمد معين)

مرا به خود مشغول می‌داشت تا اینکه خواندن چند شعر به ظاهر بدیهی و در معنا بی‌منتها از سعدی راهگشایم شد و مشوق نگارش کتاب حاضر با موضوع تطبیق دیدگاه‌های این سخن‌سرا با علم اقتصاد جدید گشت.

گرچه این ادعا بر عهده صاحب‌نظران است ولی به نظر می‌رسد، سعدی بیش از شاعران دیگر به اقتصاد و اقتصاد سیاسی (حکومت‌داری) پرداخته و اصول و مفاهیم مربوط را نه با کنایه و لفافه بلکه بصورت کاملاً تئوریک بیان کرده است که به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود.

اگر سنگ همه لعل بدخشان بودی پس، قیمت لعل و سنگ یکسان بودی

اگر شب‌ها همه قدر بودی شب قدر بی‌قدر بودی

اگر آله هر قطره‌ای ذر شدی چو خرمهره بازار از او پر شدی

چه خوش گفتم آن تهی دست سلحشور جوی زر بهتر از پنجاه من زور

مورغ بریان به چشم مردم بپر کمتر از برگ تره بر خوانست

واتکه را دستگاه و قوت نیست شلغم پخته مورغ بریانت

کوفته بر سفره من گو مباش گریسته را نان تهی کوفته است

ابلهی کو روز روشن شمع کافوری نهد زود بیی کش به شب روغن نباشد در چراغ

کتاب حاضر ادعایی در اقتصاد و یا ادبیات ندارد چه نوشتار فراوانی در هر دو زمینه در اختیار علاقمندان است. اما آنچه به این کتاب ویژگی می‌دهد امتزاج بخش‌هایی است که بصورت مشترک در ادبیات کهن ایران (به نقل از سعدی) با اقتصاد روز دیده می‌شود. در واقع در این کتاب، اصول و نظریه‌های اقتصادی پذیرفته‌شده علمی از گفتار سعدی استخراج و در معرض دید خواننده قرار داده شده است.

کتاب دارای شانزده فصل است که دوازده فصل آن به مشترکات گفتار سعدی با اقتصاد نوین اختصاص دارد. در این فصول نخست تعریف ساده و روانی از موضوع ارائه شده، سپس در قسمت دوم حکایت‌های مرتبط و دیگر سروده‌های نظم و نثر سعدی

از نسخه منتشره توسط انتشارات فردوس نقل شده است. در قسمت سوم موضوع را با چکیده‌ای از نظریه‌های جدید و نتیجه‌گیری به پایان برده‌ام.

علاوه بر این دوازده فصل مشترکات مشتمل بر موضوع‌هایی چون «پس‌انداز»، «قیمت»، «تولید و کار»؛ چهار فصل نیز به مباحثی اساسی اختصاص یافته است که البته در علم اقتصاد جدید جایی ندارد. «قناعت»، «سخا» و... با همه اهمیتی که در بهروزی اقتصادی اجتماعی مردم و جوامع دارد، تنها در قالب اصول اخلاقی طبقه‌بندی می‌شود، در حالی که خواهیم دید هرگاه جهان این صفات انسانی را در حوزه زندگی اقتصادی و اجتماعی کار بردی نکند و عمومیت نبخشد جز زوال و نابودی، آینده‌ای را رقم نمی‌زند. به زبان دیگر می‌توانیم بگوییم سعدی علاوه بر تبیین اصول اقتصادی نوین، تأثیر صفات پسندیده‌ای که به اقتصاد وجه انسانی می‌دهد را به شیوایی تحلیل کرده و آثار عملی آنها در زندگی فردی و اجتماعی را بیان نموده است.

هدف اصلی از نگارش کتاب، جلب توجه خواننده به مباحث و پند و اندرزهایی است که در ادبیات کهن مادر باره مطالب و نظریه‌پردازی‌های جدید وجود دارد. هر دانشجو و استاد رشته‌های علوم انسانی می‌تواند مفاهیم عالی رشته خود را در این گنجینه بیابد و به مطالب علمی خشک بیان رایج، روح و طراوت ببخشد و نوشتار خود را با غنای بیشتر به عنصر زیبایی بیاراید.

به منظور استفاده کامل‌تر؛ معنای واژه‌های سخت و زیر هر صفحه پانویس شده تا درک مطلب آسان شود و نیازی به واژه‌یاب نباشد. نکته دیگری که رعایت شده، نگارش متن به همان سبک موجود در منبع است تا در صورت مراجعه به اصل داستان و نوشتار، تفاوتی در نگارش دیده نشود. دیگر اینکه، هیچ توضیحی درباره حکایات و سخنان سعدی ارائه نشده است. شاید نگارش توضیحی مختصر درباره داستان‌ها کمک مفیدی به درک مطلب بنماید ولی با عنایت به مراتب زیر از این کار خودداری شد:

یکم رشته و تخصص نگارنده ادبیات نیست و می‌بایست شرح این مفاهیم را از کتاب‌های مرجع نقل می‌نمودم که در صورت تمایل خواننده به این معانی، خود می‌تواند به کتاب‌های مرجع مراجعه نماید و استفاده‌های لازم را ببرد که گفته‌اند زیره به کرمان بردن خطاست.

دوم اینکه هیچ بیانی غنی‌تر و کامل‌تر از نوشتار خود شعرا و حکما نیست. بنابراین

بهتر آن است که با ممارست و چند بار خواندن اصل مطالب، شیرینی بیان و مفهوم سخن سرار در معرفت کامل به جان دل پذیرا شویم. بطور مثال چه کسی صلاحیت معنا، تفسیر و توضیح این شعر حافظ را دارد:

بیا قائل برافشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم^۱
این سروده در هر زمان و برای هر کس به تناسب درک و معرفت وی مفهوم و معنای متفاوتی داشته، طیف وسیع و بی انتهای را دربر می گیرد.

سه آنکه خواندن اشعار با شرح آن، فکر جستجوگر و پویا را به پاسخی هر چند درست ولی محدود، قانع می سازد و مانع جوشش فکر برای درک معانی ایهامی و مفاهیم گسترده آن می شود.

و پسین گفتار اینکه غالب شعرا و نویسندگان کهن کشورمان، نکته، دیدگاه و اندرزهای خود را بصورت غیرمستقیم و در بیان حکایت و داستان به خواننده منتقل می نمایند که مولانا در این شیوه سرآمد آنان است.

گفتمش پوشیده خوش تو سزایار خود تو در ضمن حکایت گوش دار
خوش تو آن باشد که سزادلبان گفته آید در حدیث دیگران

(مثنوی معنوی: دفتر اول - ابیات ۱۳۵ و ۱۳۶)

و در مقابل پافشاری شنونده بر بیان بی پرده و عیان مطالب به شرح زیر:

۱ - طبق اخبار روز (شهریور ۱۳۹۳) کاوشگر ROSETTA که ۱۰ سال پیش توسط اروپاییان به فضا پرتاب شده پس از طی مسیری شش میلیارد کیلومتری به ستاره دنباله دار P.67 که با زمین حدود ۵۰۰ میلیون کیلومتر فاصله دارد (۱۴۰۰ برابر فاصله ماه و زمین) نزدیک شده و آماده نشستن بر روی این ستاره است. آیا فلک از دیدگاه دانشمندانی که چنین ماهواره هایی را به فضا پرتاب می کنند با دیدگاه عامه در همین زمان و مردمان یک یا چند قرن پیش یکسان است؟ و آیا هیچ توصیف ثابتی از این شعر می توان کرد؟ همچنین کلمات پررمز و راز گل، ساغر، طرح نو و ... حتی افعال زیبای خوش تراش برافشانیدن و در انداختن. این بیت را به الماسی سفته شبیه کرده که باید آن را از زوایای مختلف تماشا کرد ولی از شکستنش برای پی بردن به جوهره آن پرهیز کرد.

برده بردار و برهنه گو که من می نخسبم با صنم با سپهرن

(مثنوی معنوی: دفتر اول - بیت ۱۳۸)

وی را از اصرار و ابرام برحذر می دارد که:

گفتم از عریان شود او در میان نی تومانی نی کنارت نی میان

(مثنوی معنوی: دفتر اول - بیت ۱۳۹)

مولانا این شیوه گفت و شنود را در چند داستان دیگر نیز یادآور می شود و براین باور است که شنونده در صورت دانایی، خود مغز را از پوسته جدا کرده؛ بهترین نتیجه را می گیرد.

ای برادر قصه چون پیمانه است معنی اندر وی مثال دانه است

دانه معنی بگوید مرد عقل ننگرد پیمانه را گر گشت نقل

(مثنوی معنوی: دفتر دوم - ابیات ۳ و ۳۶۸۲)

گفتم این پیمانه معنی بود گندمش بستان که پیمانه است رد

(مثنوی معنوی: دفتر دوم بیت - ۳۶۹۱)

سعدی نیز «برای پروردن نکات حکمتی و اخلاقی که در خاطر گرفته است حکایاتی ساخته و وقایعی نقل کرده و شخص خود را در آن وقایع دخیل نموده و از این حکایات فقط تمثیل در نظر داشته است نه حقیقت و به فرموده خودش (داروی تلخ نصیحت به شهد ظرافت برآمیخته تا طبع ملول از دولت قبول محروم نماند).»^۱

همچنین «هیچ کس به اندازه سعدی، پادشاهان و صاحبان اقتدار را به حسن سیاست و دادگری و رعیت پروری دعوت نکرده است. از دیگر نکات کشورداری نیز غفلت نورزیده و مردم را از هر صنف و طبقه، از امیر و وزیر و لشگری و کشوری و زبردست و زیردست و توانا و ناتوان، درویش و توانگر و زاهد و دین پرور و عارف و کاسب و تاجر و عاشق، رند و مست و آخرت دوست و دنیا پرست، همه را به وظایف خودشان آگاه نموده و هیچ دقیقه ای از مصالح و مفاسد را فرو نگذاشته است.»^۲

از اینرو گاهی در این کتاب با داستان هایی روبرو می شویم که به ظاهر ربطی به

۱ - مقدمه شادروان محمدعلی فروغی بر گلستان و بوستان به سال ۱۳۱۶ شمسی

۲ - مقدمه شادروان محمدعلی فروغی بر گلستان و بوستان به سال ۱۳۱۶ شمسی

اقتصاد ندارد و حتی موضوع آن عشق و مستی است ولی با خواندن کامل داستان بی‌تردید به اصل اقتصادی پوشیده در آن پی خواهیم برد. تا علاوه بر چشیدن شهد و شیرینی داستان پردازی سخن‌سرایی که به تعبیر شادروان فروغی «ارجمندترین در ایران و یکی از بزرگ‌ترین هادر جهان است» نتایج ملموس و تطبیق‌پذیر آن با اقتصاد نوین را کشف و درک نماییم.

آنچه دل می‌خواست چکیده‌وار در این پیش‌گفتار بر قلم جاری شد که امیدوارم به مصداق آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند، عزیزان خواننده را دلنشین آید و به خواندن فصول کتاب علاقمند سازد.

طرح مطالب فاقد پیوستگی است و هر فصل جدا و مستقل از دیگری است. براساس فهرست و ما باز نمودن اختیاری کتاب می‌توانید موضوع مورد علاقه خود را مطالعه نمایید و به همین سیاق فصول دیگر را به میل و اولویت خود انتخاب کنید.

رسم است از کسانی که در انجام کاری نقش دارند نام برده، سپاسگزاری شود. این کوشش برآیندی از زندگی است که جامعه و خانواده‌ام ارزانی داشته‌اند که به هر دو آنها بالیده، سپاس و خرسندیم را بدان‌ها ابراز می‌دارم.

تنها پاداش بزرگم علاقمندتر شدن خواننده عزیز به ژرف‌نگری در ادبیات کهن ایران و یافتن دُرهای خوش‌تراش از صدف گفتار آنان است تا به مانند تلؤلویی که جواهرات دوران گذشته در حال دارد، کتاب‌ها و نوشتارهای علمی روز، از آن دُرهای جلوه و درخشانی بیشتری بیابد.

بکوش امروز تا گندم بیاشی که فردا بر جوی قادرنباشی (سعدی)

سید محمد تقی سید صدر

آموزگار اقتصاد

زمستان ۱۳۹۳